

شهلا صمصامی

پایان جنگ عراق

و جنبش های آزادی خواهی

فصلی نوین در تاریخ منطقه

در آن روز شوم ماه سپتامبر در آسمان صاف و آبی منتهن، زمانی که دو هواپیما یکی پس از دیگری به برج های بلند اصابت کردند، برای روزها، هفته ها ماه ها و سال ها دود، غبار، خاکستر، خون و خرابی که از منتهن برخاسته بود، به سوی افغانستان و سپس عراق رفت. در آن روز، چهار هواپیما و سرنشینان آن فصلی نوین در تاریخ معاصر بوجود آوردند. برای نخستین بار آسمان سراسر کشور پهناور آمریکا ساکت و خاموش شد. برای روزها هیچ هواپیمایی در آسمان دیده نمی شد. مردم جهان بهت زده تصاویر باور نکردنی اصابت هواپیماها به برج های عظیم و تبدیل شدن آنها به خاکستر و کوهی از زباله را به چشم دیدند. نفس ها برای زمانی در سینه حبس شد. ترس و احساس ناتوانی بر یکایک مردمی که خود را قدرتمندترین انسان های روی زمین می دیدند، غلبه کرد.



مخالف طبیعت انسان است. در جهان امروز غیر ممکن بنظر می‌رسد که بتوان از تمام جنبه‌های زندگی مدرن خود را جدا ساخت.

اسلام میانه‌رو

اسلام میانه رو شاید در کشورهای مسلمان بویژه برای جوانان دیگر جذابیته نداشتند باشد ولی بنظر می‌رسد گذار از دیکتاتوری به دموکراسی از مسیر نیروهایی است که خود را اسلام میانه رو می‌نامند. انتخابات تونس نمونه بارزی از این روند است. در تونس که این نیروها ۴۰ درصد از آراء را به دست آوردند ظاهراً موفقیت آنها به دلیل داشتن تشکیلات انتخاباتی بهتر و کمک‌های مالی از جانب عربستان و قطر بوده است. در گزارش‌هایی از فعالیت‌های انتخاباتی آمده است که اسلامی‌ها به در خانه‌ها رفته و از مردم می‌خواستند به آنها رأی دهند.

فشارهای اقتصادی و سیاسی در تونس و مصر و لیبی در نهایت به جنبش و انقلاب انجامید. فقر، بیکاری و خفقان سیاسی عامل اصلی این جنبش‌ها بوده است. فشارهای سیاسی و سرکوب مخالفان که برای سالیان دراز ادامه داشته است موجب شد که هیچ نوع حزب، گروه سیاسی و یا حتی اتحادیه‌های کارگری نتواند پا بگیرد. در عین حال گروه‌های مسلمان از جمله مخالفان فعال و متشکل بوده‌اند که به شدت نیز سرکوب شدند. زمانی که فضای سیاسی اجازه حرکت و مخالفت داد، گروه‌های متشکل تر مذهبی نیز همراه سکولارها به میدان مبارزه آمدند. بویژه در مصر که اخوان المسلمین برای سالیان دراز تنها گروه متشکل مخالف دولت بود، طبیعتاً از سازمان دهی و قدرت بیشتری برخوردار است. ارتش قدرتمند مصر که از عوامل اختناق بود، همچنان حکومت را در دست دارد.

گروه‌های اسلامی همچنان که در مورد

این روزها، در دهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر شاید بشود ادعا کرد که جنبش‌ها و مبارزات صلح جویانه علیه قدرت‌های دیکتاتوری در کشورهای عربی و شمال آفریقا سندی بر شکست اسلام افراطی است. بنظر می‌رسد اسلام افراطی به همراه راست افراطی در آمریکا، هر دو به شکست رسیده‌اند. زیرا بنیاد تئوری آنها و نحوه کار و عملیات آنها بر اساس خشونت، بی عدالتی و عدم احترام به حقوق بشر بوده است. القاعده اگرچه تحت عنوان جنگ با امپریالیست غربی در میان بویژه طبقه جوان مسلمانان عرب و آفریقا محبوبیت پیدا کرد ولی اعمال وحشیانه آنها و کشتار مردم بیگناه مسلمان و غیر مسلمان به تدریج هویت واقعی آنها را که بیشتر شباهت به سازمان‌های مافیائی داشتند، علنی کرد. همچنین در آمریکا، نتیجه جنگ‌های ماجراجویانه، سقوط اقتصادی و بحران سیاسی در این کشور بود. دزدی و دروغ دستگاه حاکمه را بی اعتبار کرد. شاید مهمترین دلیل انتخاب فردی مانند اوپاما به ریاست جمهوری آمریکا، شکست نیروهای راست افراطی و عدم اعتماد مردم به سیاست آنها بود.

روی استوارت (Roy Stewart) نویسنده انگلیسی و از مخالفان جنگ عراق و افغانستان معتقد است که اسلام افراطی مانند سایر ایدئولوژی‌های مذهبی افراطی که در تاریخ شاهد آن بوده ایم، قابل ادامه نیست. مسیحیت افراطی با تمام کشتارها نتوانست ادامه یابد زیرا این نوع ایدئولوژی

از اتفاق روزگار برای کسانی که در آن زمان در مسند قدرت در آمریکا بودند، بهترین موقعیت برای لشکرکشی و جنگ بود. نئوکنسرواتیوها و دست‌راستی‌های افراطی مذهبی، سال‌ها بود که از یک جنگ مذهبی و برخورد تمدن‌ها سخن می‌گفتند. هر روز در تبلیغات خود به جنگ با «تروریسم» اشاره می‌کردند. به اینگونه قدرتمندترین ارتش دنیا با همه نیروی خود به سوی افغانستان رفت، ولی جنگ در افغانستان تنها آغاز جنگ‌های طولانی بود. تئوری «حمله پیشگیرانه» را به یاد بیاوریم که ارتش آمریکا را از کوه‌های بورابورا به بغداد فرستاد. از همان زمان برای بسیاری پرسش این بود بغداد چرا؟ صدام چرا؟ بن لادن و یاران در افغانستان و پاکستان هستند، این چه ربطی به عراق دارد؟ در افغانستان و پاکستان نفت نبود، بوجود آوردن یک پایگاه نظامی دائمی در عراق به مراتب منافع بیشتری داشت. فریادهای ضد جنگ در آمریکا و اروپا بجایی نرسید و نیروی صد هزار نفری آمریکا عراق را اشغال کرد.

شاید انتظار و تصور بر این بود که جنگ خونین عراق به عواملی که مسئول ۱۱ سپتامبر بودند یعنی اسلام افراطی قدرت بیشتری بدهد و شاید در ابتدا چنین شد. به یاد داشته باشیم هوایما ربایان همه مسلمان و عرب بودند. واقعه ۱۱ سپتامبر در خیابان‌های کشورهای عربی با بلند کردن عکس‌های بن لادن جشن گرفته شد. شاید تصور بر این بود که این جوانان تبدیل به صدها و هزارها «بن لادن» خواهند شد.

روی استوارت (Roy Stewart) نویسنده انگلیسی و از مخالفان جنگ عراق و افغانستان معتقد است که اسلام افراطی مانند سایر ایدئولوژی‌های مذهبی افراطی که در تاریخ شاهد آن بوده ایم، قابل ادامه نیست.

حمس دیده ایم، در عین حال برنامه‌هایی مانند رژیم‌های سوسیالیستی دارند که از جهات پزشکی، آموزشی و نیازهای اولیه زندگی به مردم کمک می‌رساند. فقر و بیکاری و نیاز به این نوع کمک‌ها و خدمات در کشورهای تازه به استقلال رسیده بویژه مصر که فاقد منابع طبیعی مانند نفت است، شانس به قدرت رسیدن گروهی مانند اخوان المسلمین را زیادتر می‌کند. در عین حال گروه‌های سکولار که سهم مهمی در انقلاب داشتند به سادگی حاضر به عقب نشینی نیستند.

واقعیت دیگر اینست که برقراری حکومتی مانند جمهوری اسلامی ایران حتا برای گروه‌های اسلامی کشورهای عربی جذابیتی ندارد. به این دلیل تمام گروه‌های اسلامی در تونس، مصر و حتی لیبی خود را میانه‌رو می‌نامند و نمونه ایران را برای حکومت نمی‌کنند.

خروج از عراق

تصمیم پرزیدنت اوباما در مورد خروج از عراق به عنوان یک قدم مثبت در سیاست خارجی این کشور تلقی شده است ولی از جانب جمهوریخواهان شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است.

پرزیدنت اوباما گفت: «به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری قول دادم به جنگ عراق خاتمه خواهم داد. جنگ عراق پس از ۹ سال

و نیم به پایان رسیده است و ۴۰ هزار سرباز آمریکایی برای تعطیلات کریسمس و سال نوبه وطن باز خواهند گشت.» اوباما همچنین گفت: «روابط ما با عراق همکاری بین دو کشور مستقل است».

آمریکا برای جنگ بی دلیل عراق بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار از ثروت این کشور و پول مالیات دهندگان آمریکایی را به هدر داد. با نزدیک به ۱۵۰ هزار نیروی نظامی حمله را آغاز کرد که در سال ۲۰۰۷ این تعداد به ۱۶۸ هزار سرباز و پرسنل نظامی در عراق رسید. این تعداد از سال ۲۰۰۹ بتدریج کم شد و امروز به ۴۰ هزار نفر رسیده است. در طول این سال‌ها یک میلیون نظامی به عراق رفته است. بسیاری سربازانی هستند که برای چندمین بار در عراق خدمت کردند.

آمریکا کوشید تا شاید بتواند دست کم یک نیروی نظامی ۲۰ هزار نفری و یا حتا ۵ هزار نفری را در عراق باقی بگذارد. هدف اصلی این بود که به تعلیم نیروی نظامی و پلیس عراق ادامه دهند. ولی این کوشش‌ها و مذاکرات به جایی نرسید. پارلمان عراق بویژه بخشی که در کنترل نمایندگان طرفدار مقتدا الصدر است در این زمینه به پیروزی قابل ملاحظه‌ای دست یافت.

دولت آمریکا از دولت عراق خواسته بود که برای تمام نیروهای نظامی ۵ یا ۶ هزار نفری و همچنین پرسنلی که در امور غیر نظامی به عراقی‌ها کمک می‌کنند مصونیت قانونی بدهد. ولی پارلمان عراق در نهایت این درخواست را رد کرد. دیپلمات‌های آمریکایی و اعضای

سفارت مانند تمام دیپلمات‌ها از این مصونیت قانونی برخوردارند. سفارت آمریکا در عراق که بزرگترین سفارت‌خانه دنیاست، دارای ۳ تا ۴ هزار پرسنل خواهد بود که بخشی برای تعلیم نیروی نظامی و پلیس عراق است. حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ نظامی آمریکایی در داخل سفارت می‌توانند برای محافظت از سفارت باقی بمانند، ولی باقیمانده نیروی نظامی تا آخر سال باید عراق را ترک کنند.

جمهوریخواهان در کنگره آمریکا و همچنین کاندیداهای ریاست جمهوری، اوباما را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند که پس از این همه مخارج مالی و تلفات جانی به سادگی حاضر شده است عراق را ترک کند. جان مک کین و لیندزی گرام، سناتورهای جمهوریخواه، ادعا کرده‌اند که اوباما به عنوان یک تاکتیک انتخاباتی نیروهای نظامی را از عراق خارج می‌کند. با توجه به این واقعیت که اکثریت مردم آمریکا مخالف جنگ عراق بوده و در تمام نظرسنجی‌ها خواسته‌اند که نیروی نظامی آمریکا از عراق بیرون بیاید، هنوز جمهوریخواهان معتقدند که حضور آمریکا در عراق باید ادامه یابد. آنها می‌گویند اوباما باید دولت عراق را مجبور می‌کرد ایمنی قانونی به نیروی نظامی آمریکا بدهند. این کمترین کاری بوده است که عراقی‌ها در مقابل برکناری صدام و آوردن آزادی و دموکراسی به این کشور، می‌توانستند برای آمریکا انجام دهند.

ولی آنچه که موجب نگرانی دولت اوباما و همچنین جمهوریخواهان است، زیاد شدن

بنظر می‌رسد گذار از دیکتاتوری به دموکراسی از مسیر نیروهایی است که خود را اسلام میانه‌رو می‌نامند. انتخابات تونس نمونه بارزی از این روند است.



خواهد انجامید. صد هزار کشته و صدها هزار آواره در عراق، ۴۴۰۰ آمریکایی کشته و هزاران سرباز دیگر زخمی و هزاران نفر شاید برای همیشه صدمات جبران ناپذیر روحی پیدا کرده‌اند. بهای این جنگ بویژه بهای انسانی آن برای هر دو کشور بسیار زیاد بوده است. در عین حال خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا از عراق با تمام چالش‌هایی که برای عراقی‌ها خواهد داشت، به احساس استقلال و غرور ملی این کشور می‌افزاید.

جنگ عراق برای بیشتر مردم آمریکا هرگز مشروعیت پیدا نکرد. فداکاری و از جان گذشتگی نظامیان و خانواده‌های آنها هیچ نوع احساس غرور و شادمانی به وجود نیاورد. در ابتدای جنگ شاید به دلیل ترس و بهانه مبارزه با تروریسم، جنگ عراق تا حدی قابل قبول بود ولی سال‌ها مردم آمریکا مخالف این جنگ بوده‌اند. دیگر مشکل بنظر می‌رسد هیچ رئیس جمهوری نتواند جنگی مانند عراق

در عراق بازتر می‌کند ولی آینده عراق به دلیل آماده نبودن نیروهای امنیتی و پلیس می‌تواند نگران کننده باشد. مسائل قومی و نژادی و مذهبی هنوز کاملاً در این کشور جنگ زده حل نشده است. عراق نیاز به بازسازی همه جاتیه دارد. خروج نیروهای آمریکایی چالش بزرگی برای دولت عراق در تأمین امنیت مردم این کشور خواهد بود.

اعلام پایان جنگ عراق همزمان با دهمین سالگرد ۱۱ سپتامبر شد. با کشته شدن بن لادن و خروج نیروهای آمریکا از عراق می‌توان ادعا کرد بخشی مهمی از دوران ۱۱ سپتامبر به پایان رسیده است. خروج کامل نیروهای آمریکا از عراق نقطه عطف تازه‌ای در تاریخ آمریکا و خاورمیانه خواهد بود.

التیام زخم‌های این جنگ طولانی و خونین چه برای مردم آمریکا و چه مردم عراق سالیان دراز به طول

نفوذ دولت ایران در عراق است. کشور عراق که ۶۰ درصد مردم آن شیعه هستند، در زمان صدام توسط سنی‌ها اداره می‌شد. روابط ایران و عراق تا پیش از حمله آمریکا به این کشور همیشه یک رابطه غیر دوستانه و بلکه خصمانه بوده است. اثرات جنگ ۸ ساله عراق با ایران هنوز قابل لمس است. بیشتر کسانی که امروز در نقش رهبری عراق هستند در زمان صدام در ایران در تبعید بسر می‌بردند. حمله آمریکا، به این عراقی‌ها اجازه داد تا به وطن باز گردند. از جمله مالکی و مقتدا الصدر که دارای قدرت بسیاری هستند. پای دولت ایران به عراق از اولین روزهای حمله آمریکا به این کشور باز شد.

شکی نیست که حمله نظامی آمریکا به عراق، در نهایت، توازن قدرت در این منطقه را تغییر داد. عراق، ایران و سوریه در حال حاضر از متحدان یکدیگر هستند. نفوذ دولت ایران در منطقه افزایش یافته است. در مقابل عربستان سعودی می‌کوشد با همکاری با قطر، امارات و کویت در مقابل ایران قدرت بیشتری در منطقه به دست آورد. در این میان بحرین که اکثریت جمعیت آن شیعه و حکومت آن سنی است، میدان مبارزه و کشمکش بین جمهوری اسلامی و عربستان شده است. بحرین در موقعیت بسیار حساسی است و بدون شک بین مردم و حکومت جدایی و اختلاف زیادی وجود دارد.

خروج نیروهای آمریکایی از عراق اگر چه دست دولت ایران را





۷ آوریل. زندانی‌هایی که زنده در سلول‌ها تقریباً دفن شده بودند و توسط انقلاب بالاخره آزاد شدند. اینها و هزاران قربانیان دیگر این دیکتاتوری. شما می‌توانید بگویند که قذافی صدها بار این شانس را داشت که مذاکره کند، این جنایات را متوقف کند، او می‌توانست خودش را نجات دهد. و اینکه انتخاب او این بود که چنین نکند و در عوض تا آخرین لحظه خون مردم خود را بریزد. قذافی سرنوشت خویش را آگاهانه تعیین کرد.

شما می‌توانید بگویند که غرب لزوماً در بهترین موقعیت نیست که به بقیه دنیا درس ترحم در انقلاب را بدهد. مگر این اروپایی‌ها نیستند که هنوز به دلیل کشتار سپتامبر ۱۹۹۲ در فرانسه، عذاب وجدان دارند. آن زمانی که پس از آزادی پاریس سرهایشان تیغ زده شد؛ موسولینی که از پا آویزان شد و جسدش مانند حیوانی سلاخی شد.

ولی من این را قبول ندارم. ممکن است

کرده، اینها مبارزانی آگاه و شجاع هستند. لیوی به عنوان یک بشر دوست و روشنفکر تماس خود را با شورشیان بنغازی ادامه داده و حفظ کرد.

ولی مرگ قذافی و آنچه در آن لحظات آخر اتفاق افتاد او را دل‌تنگ و ناامید کرد. لیوی در مقاله جالبی در نشریه «نیوزویک» نظرات خود را چنین توضیح می‌دهد: آن تصاویر از جسد وی، صورتی که هنوز زنده بود ولی خون آلود، شکار شده، تحقیر شده. آن سرب‌های مو و بدون پوشش. ما همیشه او را در عمامه دیده بودیم. در آن صحنه‌های عریان چیز غم‌انگیزی بود که این جنایتکار را بطور عجیبی قابل ترحم می‌کرد.

شما می‌توانید بگویند این مرد یک جانور بود. شما می‌توانید صحنه‌هایی را که برای سالیان دراز دوستانان لیبی آزاد را چنان مضطرب کرده بود، بارها نشان دهید؛ تصاویر اعدام‌های دسته جمعی، شکنجه، دار زدن‌های

را به مردم آمریکا بقبولاند. جنگ عراق شاید برای همیشه موجب تغییر سیاست خارجی آمریکا مبنی بر «حمله پیشگیرانه» شده باشد.

در حاشیه مرگ قذافی

برنارد هنری لیوی نویسنده، متفکر و فیلسوف بنام فرانسوی که بیشتر زندگی خود را وقف دفاع از حقوق بشر، عدالت و مبارزات مردم جهان در دست یافتن به آزادی و دموکراسی کرده است، از ابتدای جنبش شورشیان بنغازی شخصاً به آن جا سفر کرد و بارها با رهبران این جنبش به گفتگو نشست. لیوی از جمله کسانی بود که به واقعی بودن این نهضت اعتقاد داشت. در مصاحبه‌های بسیاری از عدالت خواهی شورشیان دفاع کرد. آن زمان که این پرسش مطرح بود که این شورشیان چه کسانی هستند، آیا عوامل القاعده و یا گروه‌هایی نظیر آن هستند، لیوی می‌گفت که بارها از نزدیک با این افراد نشسته و صحبت

آزادی در لیبی می‌تواند توسط این عکس‌ها و مناظر تعیین شود. یویژه دوستم «مصطفی ال ساگی زیل» که به پرنس آزادیخواهان و جنگجویان مقاومت لیبی معروف است، کسی که مقاومت بنغازی را از روز اول سازماندهی کرد، با من هم عقیده بود. او از جمله کسانی است که خواهان تحقیقات رسمی در این زمینه شده است. این خود نشان می‌دهد که مقامات جدید لیبی نمی‌خواهند چگونگی واقعه کشته شدن قذافی را سرپوش بگذارند.

دو نتیجه قابل پیش بینی است. یا این جنایت دسته جمعی مانند گردن زدن آخرین شاه فرانسه نشانی شوم است. یا پایان دورانی بی فرهنگ، بی رحم، پایان تاریکی لیبی و مرگ سیستم قذافی است؛ که آغازی برای دورانی است که وعده بهار عربی را به ثمر می‌رساند. در حالی که این را می‌نویسم امید من و ایمان من به نتیجه دوم است.

<http://shahlasamsamy.blogspot.com>

قذافی را گرفته و کشته بودند از زیردستان او بود، صحبت کردم. وی ابراز شادمانی کرد و گفت که نابود شدن دیکتاتوری بی رحم ورق جدیدی در تاریخ کشورش گشوده است. از طریق دوستی که صاحب کشتی در میصراته است و نقش مترجم را داشت با این فرمانده صحبت می‌کردم. وی گفت: «قذافی با ما همانند یک موش کثیف رفتار می‌کرد. ولی موش کثیف خود او بود که بالاخره در لوله‌های فاضلاب، جنگجویان من او را یافته و صدایش را برای همیشه خفه کردند».

به او هم گفتم که به واقع این آغاز روزی نوین در کشور لیبی است. ولی اصالت و شرافت فتح کننده با نوعی که با شکست خورده رفتار می‌کند سنجیده می‌شود. و چند مثال تاریخی برایش آوردم. فرمانده بنظر رسید که اهمیت این واقعه را می‌فهمد. زمانی که با مقامات شورای ملی تماس گرفتم آنها نیز آگاه بودند که چگونه سرنوشت بهار

من یک روماتیک علاج ناپذیر باشم و یا مخالف سرسخت شیطان واقعی یعنی اعدام انسان‌ها باشم.

در تماشای صحنه‌های اعدام قذافی چیزی تهوع آور وجود داشت. بدتر اینکه من می‌ترسم که شالوده اخلاقی را که این قیام بر آن بنا شده بود و تا پیش از این واقعه نمونه بود، آلوده کند. کسانی که در مورد تاریخ انقلاب‌ها می‌دانند، متوجه هستند که این می‌تواند نقطه‌ای باشد که یک قیام دموکراتیک رو به انحطاط رود.

من اینها را در یک گفتگوی تلفنی با دوستام در شورای ملی انتقالی مطرح کردم. زمانی که دوستم «مصطفی ساگیزلی» Mustafa el-sagizli رهبر جنگجویان تلفن کرد که شادمانی خود را از آزاد شدن «سرت» با من در میان بگذارد، ترس خودم را از وقایع اخیر به او گفتم. سپس روز پنجشنبه با فرمانده لشگری که آن عوامل سرکش که

در زندگی هر شخصی قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

**LAW OFFICES
OF
MARSHALL TAHERI**

CIVIL AND COMMERCIAL LITIGATION
FEDERAL CRIMINAL DEFENSE
FEDERAL TAX LITIGATION
INTERNATIONAL BUSINESS LITIGATION
PERSONAL INJURY

Houston	713.871.0000
Dallas	214.871.0000
Los Angeles	310.557.0000
New York	212.247.0000
Washington, D.C.	202.333.0000

www.marshalltaheri.com

35 years experience and a Professor of Law

Consultation by appointment only

در زندگی هر شخصی قطره ای باران حقوقی هم می بارد.

دکتر مهناز مسکوب

MAHNAZ MESSKOUB
D.D.S, M.S.

متخصص درمان ریشه دندان

**Root Canal
Therapy**

9400 Westheimer
Suite #1
Houston, Texas 77063

با تعیین وقت قبلی

713-932-7730

RPCS11229MESSKOUB